

تفسیر روان و ساده قرآن کریم  
قسمت پانزدهم، سوره توحید

# ذکر کتاب

درس گفتارهای  
استاد سید هادی عظیمی

بهار ۱۴۰۳



أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا وَ نَبِيِّنَا  
أَبِي الْقَاسِمِ الْمُصْطَفَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّيِّبِينَ  
الطَّاهِرِينَ الْمَعْصُومِينَ الْمُقَرَّبِينَ، سَيِّمًا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي  
الْأَرْضِينَ وَ اللَّعْنُ الدَّائِمُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ.

وَقُلْ رَبِّ أَدْخِلْنِي مُدْخَلَ صِدْقٍ وَأَخْرِجْنِي مُخْرَجَ صِدْقٍ  
وَاجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا.

### مقدمه

در محضر شما عزیزان تفسیر سادہ و روان قرآن کریم را شروع کردیم. سورہ حمد تمام شد.

به شما عزیزان وعده دادیم کہ ان شاء اللہ سورہ بقرہ را شروع کنیم. اما قبل از ورود در سورہ بقرہ، من حیثم آمد کہ از سورہ حمد بگذریم. نکات دیگری در این سورہ وجود دارد کہ مرور می‌کنم. پس امروز ہم سورہ حمد و نکاتش را عرض می‌کنم.

اما قبل از اینکه این نکات را تقدیم محضر شما عزیزان کنم، یک جمع‌بندی و خلاصه‌ای از سورہ حمد تقدیم کنم.

## نقش شما در این برنامه؛ اول تفکر و تدبر

یک خواهشی از شما عزیزان دارم. سهم ما در این تفسیر، رعایت اختصار و ساده‌گویی است. شما عزیزان هم باید سهمی در این برنامه داشته باشید. سهم شما باید تدبّر و تفکر و تذکر باشد.

در هر آیه‌ای که تفسیرش را ما به صورت روان عرض می‌کنیم، تفکر کنید. این طور نباشد که فقط بشنوید و برنامه را ببندید و بگذارید کنار. حتماً درباره این آیه تفکر و تدبر کنید.

آنچه انسان را رشد می‌دهد، این است که درباره قرآن بنشیند، تدبّر کند. تدبّر یعنی عمق آیات را درک کنید؛ وارد مفهوم آیه بشوید و در ذهن‌تان سؤال طرح کنید. هرچه بتوانید سؤال بهتری طرح کنید، این نشان‌دهنده این است که فکر شما دقیق‌تر است و بیشتر تفکر کرده‌اید. سؤال طرح کنید، سؤالات را برای ما بفرستید. ما سعی می‌کنیم ان شاء الله هر چند وقت یک‌بار، پاسخ سؤالات تفصیلی شما که درباره آیات می‌پرسید، را بدهیم.

## لزوم مطالعه مستقل و مشارکت فعال

علاوه بر این تذکر هم بدهید، اکتفا نکنید به آنچه که اینجا بیان می‌شود. بروید کتاب‌های تفسیری را ببینید. و اگر نکته‌ای را بنده اشتباه گفته باشم یا شما گمان

کنید اشتباه است، توضیح بخواهید. ما یا اصلاحش می‌کنیم یا توضیح می‌دهیم و مطلب روشن می‌شود. پس حتماً تفکر کنید، تدبر کنید، تذکر بدهید.

و از همه مهم‌تر اینکه، در آیاتِ سورۀ بقره به بعد، تفسیر هر آیه‌ای که ما بیان می‌کنیم، این آیه را حفظ کنیم. لااقل یک دورۀ حفظ قرآن هم باشد.

ما خبر نداریم که چند وقت دیگر زنده هستیم و عمرمان تا کجا قد می‌دهد، که بتوانیم آیات قرآن را از ابتدا که شروع کردیم، به انتها برسانیم. ان شاء الله با دعای شما، خدا این توفیق را به ما بدهد که تا انتها برویم. ولی در کنار آیاتی که تفسیر می‌کنیم، آنها را حفظ کنیم. آن قدر تکرارش کنیم که ملکهٔ ذهنمان بشود. ان شاء الله حافظ قرآن هم می‌شویم. هرچند ممکن است حافظ قرآن باشید.

### تأکید بر ارسال برداشت‌ها و تعامل

بنابراین، سهمتان را فراموش نکنید. برداشت‌های خودتان از آیه‌ای که می‌شنوید را به ما پیام بدهید. الزاما نیاز نیست که این برداشت حتماً درست باشد. نترسید. خجالت نکشید. برداشت‌هایتان را پیام بدهید. بگویید من چنین برداشتی دارم، درست است؟ اگر درست بود، ما یادداشت می‌کنیم. بعد در اختیار جمع می‌گذاریم.

پس ان شاء اللہ با مشارکت شما، این بحث پویاتر بشود و ما بهتر بتوانیم خدمت‌گزاری کنیم.

### مروری بر سورۃ حمد

برگردیم به سورۃ حمد و نگاهی دیگر به این سورہ بیندازیم. ہم خلاصہ‌ای از آنچه گفتیم و ہم نکات جدیدی را تقدیم کنیم.

خوب، اولین نکته «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» است. این باء، ہم به معنای استعانت است کہ گفتیم، و معنای دیگری نیز اضافه کنیم کہ به معنای مَعِيَّت است. برخی از مفسرین عزیز این باء را به معنای استعانت گرفته‌اند. یعنی کمک می‌گیریم و آغاز می‌کنیم این سورہ یا قرآن خواندن را، با نام رحمان و رحیم خدا.

اما معیت یعنی چه؟ یعنی آغاز می‌کنیم، همراه با نام خدا. یعنی جهتِ کارِ ما، به سوی خداست. این سورہ را در جهتِ رسیدنِ به خدا، می‌خوانیم. معیت برای جهت دادن است.

خب، این نکته‌ای بود کہ باید به آن دقت کنید.

### حمد و شکرگزاری

«الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (حمد: ۱). گفتیم «عالمین» یعنی همه موجوداتی کہ در همه عوالم هستند: عالم انسان، عالم جن، عالم ملائکہ، عالم حیوانات، عالم نباتات و همه موجودات. یعنی خدا، پروردگار همه موجودات

است. برخی گفته‌اند که این فقط به عالمین اشاره دارد، یعنی عالم انسان و عالم جن. اینکه قرآن درباره حضرت مریم فرمود: «وَاضْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ» (آل عمران: ۴۲)، آنجا کلمه «عالمین» تکرار شده، یا در جای دیگر می‌فرماید: «لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا» (فرقان: ۱)، آنجا چون «عالمین» را به معنای فقط جن و انس باید بگیریم، لذا می‌گویند اینجا هم باید فقط به معنای جن و انس گرفته شود. یعنی پروردگار همه انسان‌ها و جن‌ها.

### رحمان و رحیم

نکته دیگری که عرض کردیم این است که باید توجه کنیم به «الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» (حمد: ۲). تکرارش در اینجا برای این است که علت ربوبیتی را که در «رَبِّ الْعَالَمِينَ» آمده، در «الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» به ما گوشزد کند که چرا خدا رب العالمین است. رب، پرورش‌دهنده است. خدا، پرورش‌دهنده است. همه موجوداتی را که خلق می‌کند، پرورش می‌دهد تا به کمال خودشان برسند. چرا پرورش می‌دهد؟ چون رحمان و رحیم است. چرا می‌خواهد آنچه را که خودش دارد، به همه بدهد؟ از بس که مهربان است، اینجا «رحمان» و «رحیم» به کار رفته است.

## مالک یوم الدین

«مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ» (حمد: ۳)، مالک را هم می‌توانیم به معنای صاحب اختیار بگیریم، هم می‌توانیم به معنای مُلک بگیریم. یعنی پادشاه روز قیامت «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ» یعنی صاحب اختیار، سلطان و فرمانروای مطلق روز قیامت است.

## عبودیت و اطاعت

«وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» (حمد: ۵). ما بیشتر می‌خواهیم در باره این آیه صحبت کنیم. وقتی توجه کردیم به اینکه خدا رَبِّ الْعَالَمِينَ است، پس باید به این نتیجه برسیم که «إِيَّاكَ نَعْبُدُ». اگر او پروردگار و پرورش‌دهنده است و می‌خواهد ما را به عالی‌ترین درجه برساند، پس باید عبودیت کنیم و از او اطاعت کنیم. باید عبد او باشیم و مانند موم، در دست او نرم باشیم، تا آنچه را که او اراده کرده، از ما بسازد.

بنابراین، چون او رَبِّ است، باید عبد باشیم. «رَبِّ الْعَالَمِينَ» خیلی معنا دارد که ما را می‌کشاند به عبودیت. اما این عبودیت باید چگونه باشد؟

چند نکته را می‌خواهم اینجا بالخصوص و به صورت مجزا، دقت کنید. یکی اینکه این عبودیت ما باید عاشقانه باشد. از کجای این مطلب فهمیده می‌شود که عبودیت باید عاشقانه باشد؟ از اینکه او رب است.

ببینید، رابطه ما با خدا، رابطه عبد با رب است نه رابطه فرزند با پدرش. هرچند پدر و مادر هم خیلی مهربانند و بالاتر از عشق پدر و مادر به فرزند، در این عالم چیزی وجود ندارد اما رابطه رب با عبد، خیلی قوی تر است. با وجود اینکه پدر و مادر خیلی مهربانند، ولی گاهی حاضر نمی‌شوند همه چیز خود را به فرزندانشان بدهند. بله ممکن است چنین پدر و مادری وجود داشته باشند، ولی نادرند.

غالباً این گونه است که همه پدر و مادرها، همه آنچه را که خود دارند، به بچه‌هایشان نمی‌دهند. البته بعضی وقت‌ها حق دارند، به خاطر اینکه دست خودشان خالی نشود، به خاطر اینکه خودشان هم نیازمندند. پس عشق‌شان نسبت به فرزندشان، نمی‌تواند بی‌نهایت باشد.

اما خدا چون بی‌نهایت است و هرچه دارد بی‌نهایت است، پس می‌تواند بی‌نهایت بدهد. از خودش چیزی کم نمی‌آید. خدا چون معدن بی‌نهایت همه خوبی‌ها و رحمتش بی‌نهایت است و می‌خواهد به ما بی‌نهایت بدهد، پس عشق ما به خدا، باید خیلی بیشتر باشد از عشق به پدر و مادرمان.

## رابطه بین عبد و رب

بنابراین، رابطه بین عبد و رب، رابطه محکم‌تر و عاشقانه‌تری است. حالا نمی‌خواهم اشاره کنم که بعضی از مردم در گذشته بودند [و شاید الان]، که رابطه انسان با خدا را رابطه پدر و فرزندی می‌دیدند. مسیحیان ممکن است انکار کنند، ولی در یک بُرهه‌ای از زمان، این رابطه را قبول داشتند.

پدر و پسر و روح القدس یعنی چه؟ یعنی همه مردم، فرزندان خدا هستند. منتها این فرزندان سلسله مراتب دارند. مردم عادی، فرزند کشیش‌ها هستند و کشیش‌ها پدر مردم هستند. پدر بعدی می‌شود، عیسی و همین‌طور می‌رویم بالا تا برسیم به خدا که خدا، پدر عیسی است. این عقاید باطل را یک زمان، بعضی‌ها داشتند. در سوره توحید خدا می‌فرماید: «لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ». همان‌طور که بعضی از مفسرین مُدَقِّق فرمودند، «لَمْ يَلِدْ» برای نفی رابطه پدر و پسر است. یعنی این‌گونه نیست که خدا فرزندی داشته باشد.

پس رابطه خودتان را با خدا، رابطه فرزند و پدر و مادر نبینید. فراتر از آن ببینید؛ رابطه عبد و رب و عبد و مولی ببینید. او رب و مولای ماست و هرچه دارد را، می‌خواهد به ما بدهد. یک ذره هم برای ما کم نمی‌گذارد.

«فِي مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِيكٍ مُّقْتَدِرٍ» (قمر: ۵۵)، ما را می‌خواهد همنشین خودش کند. هرچه دارد را به ما بدهد. می‌گوید اراده کردم همه دارایی‌ام را به تو بدهم. تو به سوی من بیا و عبد من باش. بیا تا به تو بدهم. ببینید، بین این دو جمله تفاوت است. یک وقت ما کسی را دعوت می‌کنیم و به او می‌گوییم بیا خانه من، بیا به سوی من. یک وقت هم می‌گوییم بیا، کارت دارم. حالا او چطور می‌آید؟ وقتی شنیده که بیا کارت دارم، ممکن است پیشی خودش بگوید، چقدر مرا اذیت می‌کند. می‌خواهد برایم کار بتراشد. لنگان لنگان و با غر زدن می‌رود.

حالا اگر این‌طور پیام بدهید و بگویید بلند شو بیا. من می‌خواهم هرچه دارم را به تو بدهم؛ خانه و ماشین و هرچه دارم را می‌خواهم به نامت بزنم. هیچ‌چیز در مقابلش از تو نمی‌خواهم. فقط بلند شو بیا.

وقتی چنین پیامی را دریافت کنید، چطور می‌روید؟ اولاً زود از جا بلند می‌شوید و می‌پرید. حتی اگر خوابتان هم کامل نشده باشد، از رختخواب بلند می‌شوید. دوان دوان به سمت کسی که چنین پیامی به شما داده است، می‌روید.

وقت رفتن، چطور می‌روید؟ آیا با کسالت و نِق زدن و غرغر کردن می‌روید یا عاشقانه؟ در بین راه، به چه چیزی

فکر می‌کنید؟ به اینکه چقدر خوب و مهربان و بخشنده است. می‌گوید می‌خواهم همه چیز را به تو بدهم. می‌گوید بلند شو بیا، فقط امضا کن و قبول کن.

رابطهٔ عبد با ربّ باید این‌گونه باشد. وقتی می‌گوییم «رَبِّ الْعَالَمِينَ»، یعنی باید این مطلب در ذهن مان تداعی بشود که او می‌گوید من ربّ و پرورش‌دهندهٔ تو هستم. می‌خواهم هرچه دارم به تو بدهم، اصلاً می‌خواهم خودم را به تو بدهم. بلند شو بیا.

چطور باید برویم؟ عاشقانه. پس این رابطه اولاً باید رابطهٔ عاشقانه باشد؛ ثانیاً وقتی می‌گوییم «إِيَّاكَ نَعْبُدُ»، یعنی داریم بنده بودن یا بردگی برای دیگران را، نفی می‌کنیم. «إِيَّاكَ» کلمه‌ای است که این را می‌رساند: خدایا، حالا که تو ربّ ما هستی، پس ما فقط باید به سوی تو بیاییم.

### نفی عبودیت برای غیر خدا

فقط یک نفر وجود دارد که می‌تواند به ما بی‌نهایت بدهد. غیر از تو، چه کسی می‌تواند به ما بی‌نهایت بدهد، که ما بخواهیم به سوی او برویم و اطاعتش کنیم یا بندگی کنیم؟ هیچ‌کس. «إِيَّاكَ نَعْبُدُ» فقط تویی که ربّ ما هستی، پس ما باید فقط بندهٔ تو باشیم.

نفی عبودیت برای غیر خدا، عبودیت بُت‌ها و نَفَس. ما فکر می‌کنیم انسان حُبّ ذات دارد و خود را خیلی

دوست دارد. اگر از نفس خود اطاعت کند، آنچه را که می‌خواهد به او نمی‌دهد. انسان لذت بی‌نهایت می‌خواهد.

اگر من از نفس اطاعت کردم، به لذت بی‌نهایت و خواسته‌های فطری‌ام می‌رسم؟ نه. آیا ابرقدرت‌ها، مرا به خواسته‌های فطری و بی‌نهایت لذت، می‌رسانند؟ نه. پس اینجا، نفی عبودیت ابرقدرت‌ها و بندگی غیر خدا، هست.

### عبودیت: حرکت به سوی معدن همه فضاائل

نکته دیگری که در «**إِيَّاكَ نَعْبُدُ**» هست این است که وقتی می‌گوییم خدا ربّ العالمین است، آن وقت ما باید عبد ربّ باشیم. باید بدانیم عبودیت خدا، یعنی حرکت به سوی معدن همه فضاائل. اما بندگی و بردگی برای دیگران، حرکت به سوی مَطامِع است.

خدا خیر و فضیلت مطلق است. دقت کردید؟ این هم یک نکته.

من چون می‌خواهم خیلی طولانی نشود، اینجا مطلب را تمام می‌کنم. ان شاء الله در یک جلسه دیگر ادامه این بحث را که در مورد عبودیت خداست، یک مقدار بیشتر و عمیق‌تر می‌خواهیم فکر کنیم. درباره جمله «**إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ**» در جلسه بعد خدمتتان عرض می‌کنم، به شرط اینکه شما هم همراهی کنید.

نکات دیگری که به ذهن شما می‌رسد یا در جایی مطالعه کردید و یا تدبر کردید و به آن رسیدید، حتماً ارسال کنید که ان شاء الله در اختیار بقیه هم بگذاریم. و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

